



۲۰۱۶/۳/۲۰

م، نعیم بار

آیا پاکستان در حمایت از طالبان و بازی دو پهلو با جهان به آخر خط رسیده است؟

پاکستان از هنگام جدایی از پیکر هند، دولت افغانستان و هندوستان را دشمن خود دانسته، چنانکه سه بار جنگ های خونینی را با هند به راه انداخته و با آنکه هر بار تلفات سنگین و شکست حقارت باری را تجربه کرده، باز هم تا کنون از به راه اندازی عملیات خون بار تروریستی علیه آن کشور دست نکشیده است.

در مورد کشور افغانستان نیز سال ها است که از هیچ مداخله کینه توزانه و دشمنانه دریغ نورزیده، گاه با جنگ های سرحدی و از هنگام سقوط رژیم طالبان توسط قوای امریکا، جنگ نیابتی، و عملیات وحشتبار تروریستی را دنبال نموده و حتی با دولت ایالات متحده امریکا که ادعای دوستی و پیمان ستراتژیک با هم دارند نیز عملاً دشمنی کرده، چنانکه پس از سقوط رژیم طالبان تا سال ۲۰۱۴ دو نیم هزار امریکایی بوسیله گروه های تحت فرمان سازمان استخبارات نظامی پاکستان در افغانستان به قتل رسیده اند مگر ظاهراً چنین تبلیغ نموده که گویا در همکاری با امریکا و نیروهای بین المللی علیه تروریزم همکاری نموده است.

بسیار جای تعجب و سوال بر انگیز است که با وجود انتقادات افراد بی شمار و یک تعداد سناتور های برجسته متأسفانه دولت امریکا به میلیارد ها دالر کمک های نقدی و تسلیحاتی خود را به پاکستان ادامه داده و اخیراً پاکستان برای بدست آوردن هشت پروند طیاره جنگی پیش رفته از سوی دولت امریکا نیز در انتظار است.

در این ارتباط به تعقیب سفر صدراعظم و رئیس استخبارات نظامی پاکستان، سر تاج عزیز این دیپلمات برجسته و کار کشته و مشاور صدر اعظم پاکستان نیز سفری به امریکا داشت، در آن سفر مقامات امریکایی صریحاً از وی خواستند تا دولت پاکستان پایگاه های تربیت تروریستی را از خاک آن کشور بر چیند و به روند صلح افغانستان همکاری نماید.

احتمالاً مشاور سیاسی در سفر خود روی بعضی مسایل با دولت امریکا به توافق رسیده اند زیرا در بازگشت از ایالات متحده امریکا به پاکستان اعلام داشت که رهبران گروه های طالبان و فامیل های شان در خاک پاکستان به سر می برند و بعضی کمک های که تا حال به آنها صورت گرفته دولت پاکستان بالای شان نفوذ داشته و اکنون از آنها خواسته می شود که در مذاکرات صلح افغانستان شرکت ورزند و اگر نمی پذیرند آنها و فامیل های شان خاک پاکستان را ترک گویند.

گرچه قبل از اعتراف سر تاج عزیز مینی بر موجودیت رهبران گروه های طالبان و حمایت دولت پاکستان از آنها این موضوع چندان بر کس پوشیده نبود، بلکه مردم افغانستان و جهان میدانستند که پایگاه های اصلی گروه های طالبان و تر بیت و تجهیز تروریستی آنها کشور پاکستان بوده و از آنجا به حیث عقب گاه مانور (manovr= تمرینات رزمی) افغانستان را مورد حمله قرار داده، چنانکه در این ارتباط رئیس جمهور کرزی بار ها به امریکایی ها گفته بود: «اگر خواسته باشید من حاضرم آدرس خانه های رهبران طالبان را که در کشور پاکستان بسر می برند به شما بسپارم» اما امریکایی ها از قبول آن طفره می رفتند.

اینکه چه رمز و رازی در میان بوده که تا کنون دولت امریکا از بازی دوپهلوی و خیانت پاکستان چشم پوشیده است، علت اساسی آن چندان مشخص نیست، شاید سیاست های استراتژیک منطقه ای و جهانی امریکا ایجاب نمی کرده تا در مبارزه علیه تروریسم و سازمان القاعده با پاکستان وارد جنگ شود که در نتیجه پاکستان در وضعیت کاملاً بی ثباتی دچار شده و در آن صورت سلاح های اتمی اش بدست گروه های تروریستی افتد.

بنا بران قوای امریکا و ناتو بجای پاکستان مدت چارده سال خاک افغانستان و بیشتر مردم بی گناه و بی دفاع آنرا به قتل رسانده و در مدت مذکور بدون اینکه بکدام موفقیت علیه تروریسم رسیده باشند بل عکس به فعالیت های تروریسم زیر نام طالبان، النصر، داعش و غیره افزودند و سر انجام راه خروج قوای شان را در پیش گرفته و کشور ما را به مسلخ آدم کشی مبدل نمودند.

بهر صورت حالا که حکومت پاکستان خود به موجودیت رهبران گروه های طالبان در خاک خود اعتراف نموده و دیگر جای تردید باقی نمانده، مردم امریکا و جهان می دانند که دولت پاکستان فاسد ترین دولت جهان و رهبران آن دروغگوترین و نهایت ریاکار اند، مثلاً همه به خاطر دارند که رهبران دولت پاکستان در گذشته همواره از وجود اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده در پاکستان انکار می ورزیدند اما وقتی جا برای انکار باقی نماند که اسامه بن لادن بوسیله کماندو های امریکایی در نزدیکی شهر اسلام آباد پاکستان به قتل رسید.

حال دیگر همه دولت ها و مردم جهان بی تردید خواهند پذیرفت که منشئه تروریسم پروری و راه اندازی عملیات و جنایات بشری دولت پاکستان بوده و افسار گروه های طالبان نیز در دست سازمان استخبارات نظامی آنکشور است. موضوع کنفرانس چار جانبه صلح:

بیاد داریم که دولت پاکستان پس از خروج قوای شوروی سابق از افغانستان به روسای تنظیم های افغان اجازه نداد که در مذاکرات روند صلح شرکت ورزند، مگر اکنون از طالبان خواسته که در مذاکرات چار جانبه افغانستان، پاکستان، چین و امریکا شرکت ورزند، معلوم است که دولت پاکستان زیر نام طالبان می خواهد از آن طریق خواست های خود را بر دولت افغانستان تحمیل نموده و از دولت امریکا امتیازات بیشتری بدست آورد و الی طالبان کدام گروه سیاسی مستقل و دارای برنامه اقتصادی، اجتماعی نبوده و کدام پایگاه دایمی هم در خاک افغانستان ندارند.

طالبان یک گروه ساخت استخبارات نظامی پاکستان و ابزاری در دست دولت پاکستان بوده تا یک گروه عقیدتی، نظامی و سیاسی مستقل. اگر پاکستان به حمایت خود از آنها پایان دهد، گمان نمی رود کدام کشور دیگری حاضر شود در دشمنی با افغانستان آنها را به خاک خود جا داده و آنهمه امکاناتی را که پاکستان در مدت بیست سال برای آنها فراهم کرده است، بتواند در اختیار شان بگذارد.

گروه های طالب هم می دانند که دارای هیچ نوع کادر سیاسی اقتصادی علمی و اجتماعی لازم برای پیوستن به دولت افغانستان نیستند، اگر به مذاکرات صلح رو آورند چیزی برای گفتن و چنه زدن ندارند. به همین لحاظ پیش شرط های

غیر عملی مبنی بر خروج کامل قوای خارجی و رهایی زندانیان شان از افغانستان و زندان گوان تانا مو را مطرح کرده اند تا خود را کنار کشیده و چند صباح دیگری از دولت های رقیب در منطقه بهره برداری نمایند. بهر حال چنین استنباط می شود که دولت پاکستان از حمایت و راه اندازی عملیات تروریستی به آخر خط رسیده و دریافت خواهد بود که ادامه این روند نه تنها بعد از این به نفع آن کشور نخواهد بود، بلکه آتش تروریزم بیشتر از هر جای دیگر دامن پاکستان را فرا خواهد گرفت و آنگاه بحران به جایی خواهد رسید که جلوگیری و غلبه بر آن ممکن نباشد. پس منطقاً بهتر است تا با منطقه و جهان کنار آید.

گرچه بعضی تحلیل گران، سیاست حمایتی پاکستان را از طالبان در دشمنی با افغانستان و هند یک استراتژی دایمی می پندارند ولی نمیگویند که این سیاست تا چه زمان میتواند عملی باشد؟

سیستم سرمایه داری جهانی نیازمند ثبات و امنیت است. کشور چین یکی از حامیان تازه به دوران رسیده پاکستان که در حال تبدیل شدن به قدرت درجه یک جهان است، بیشتر از هر کشوری در طلب صلح است، هند هم کشوری به سرعت روبه رشد و توسعه امی باشد. دولت امریکا که در حال یگانه ابر قدرت جهان است، برایش راه بازگشت کامل از افغانستان به ناکامی مطلق پذیرفتنی نیست، پیروزی در جنگ افغانستان و در کار زار منطقه حد اقل در گام نخست باید بنام امریکا ثبت شود.

لذا دولت پاکستان به هیچ وجه نمیتواند از زیر بار اینهمه فشار های داخلی و جهانی کماکان راه گذشته را دنبال نماید.

اگر اوضاع منطقه و جهان کمی منطقی به بررسی گرفته شود این را به خوبی می توان دید که دیگر جای برای ادامه جنگ در افغانستان باقی نمانده و بی جهت نیست که در این فرصت گلب الدین خون آشام پس از گذشت سال ها و ارتکاب جنایات بی شمار عرصه را برای ادامه زندگی حقارتبار خود و چند نفر دار و دسته اش در پاکستان تنگ دیده و رو به مذاکره و صلح آورده، تا با استفاده از آخرین فرصت جای برای خود در دولت و کشور افغانستان بیابد. بنابر این در صورتیکه واقعاً دولت پاکستان تحت فشار امریکا و چین، همان طوری که اعلام داشته اگر گروه های طالبان را از خاک خود بیرون نماید، با اطمینان می توان گفت در مدت چند ماه زیر ضربات قوت های دولت جای برای جنگ و عملیات تروریستی در افغانستان باقی نخواهد ماند.

در پایان باید گفت از آنجائیکه دولت چین و امریکا منافع خود را نسبت به افغانستان در نزدیکی با پاکستان می بینند. لذا منافع ملی ما ایجاب می کند تا دولت افغانستان بجای مذاکرات صلح چار جانبه برای شرکت کشور هند، روسیه و ایران نیز پافشاری نماید.

پایان